

در زمان عیبت برفقها و مجتهدین خودش بیر عامل با حرای حدود و سیاسات شرعیته بود، گاهی شخصاً بیر مباشر احرای حدّ شرعی میشده است کسایکه بحکم شرع معدّس اسلامی در دست خود او و یا بحکم او کشته شده اند هشتاد یا نود یا صد و بیست تن میباشد، وی سال ۱۲۶۰ هـ ق (عرس) در هشتاد و پنج سالگی با مرض استسقا در اصفهان وفات یافت، در مسجدی که خودش در کوی بیدآباد اصفهان بنا نهاده و بمسجد سید مشهور است دفن گردید بقعه و صریحی دارد و بروحردی در صحنه گوید

سیدنا السید محمد باقر کھف الانام و لہ مصاحر

مفتخر الناس بلا التماس معصمه عیاب کھف الناس

حملة عیاب کھف الناس = ۱۲۶۰

(ص ۱۲۴ ت و ۱۲۳ هـ و ۱۰۸ قس و ۲۲ ح ۱ در صفة)

میرزا محمد بهی بن ملا محمد - مامقانی الاصل ، سریری المولد

حجة الاسلام

والمسکن ، متخلص به بئر و مشهور بحجة الاسلام ، ا - علما و



داشتمندان اوائل قرن حاضر چهاردهم آذربایجان میباشد که علاوه بر مراتب علمیّه، قریحه شعرنداش هم بسیار صاف و اشعارش دارای الفاظ فصیح و معانی دقیق بود، بر حمة احمالی حال او را موافق آنچه در دساحه حاب دویم کتاب آشکده خود نگارش یافته است او راق مسماند سال ۱۲۴۷ هـ قمری (عمرش) در سریر متولد شد، در بست و دو سالگی برای تکمیل تحصیلات خود بصف اسرف رفت، پس از اسفاصه از محاصر استادان و مشایخ آن سامان به سریر برگشت، بظرف حقیق در آسمان علم و ادب و عرفان آفتابی بوده که صدها سارگان در حسان از انوار عالمیته اس کسب نور و روسائی

عکس میرزا محمد بهی حجة الاسلام - ۴

کرده اند، آری ريك چراغ توان صد چراغ روشن کرد شہامت نفس و مہانت طبع او
 بانداری بودہ کہ حر حانہ مسکونی چیری نداشته و آن را ہم بعد از فوت او بوامش
 دادند، باوجود این ہمیشہ در شکبہ و فشار مردمان حسود و بدخواہ بودہ و در این
 معنی گوید

دستی بخواں دہر بیالودہ چون مگس شد تار عنکبوت مرا دور روزگار
 ای ہوش، دیگر آہن سردم سرمکوب ای فکر، دیگر از گماندیشہ خون منار
 ای چشمہ مداد من از عصہ قیر شو ای حامہ ترار من، از عم چونی ترار
 تألیفات او

۱- آتشکدہ دہرائی ۲- العیہ در طرائف ۳- تفسیر آیہ وما خلقت الجن والانس
 ۴- در حوشان کہ مثنوی اسب بحاصر عمدا ۵- دیوان عربیات ۶- صحیمۃ الانرار
 ۷- علم الساعۃ ۸- لالی منظومہ ۹- لمح النصر ۱۰- مہاتیح العیب ۱۱- نصرۃ الحق
 و از این حملہ فقرہ دویمی و ہفتمی و ہمی و یار دہمی ہنوز نطبع نرسیدہ و ہفت فقرہ
 دیگری در سریر چاپ شدہ است صاحب ترجمہ دوازدمہ رمضان ۱۳۱۲ھ (عشیم) وفات
 یافت و در وادی السلام بحف مابین مقام مہدی و دیوار شہر بحف مدفون شد
 (ص ۵ ح ۱ دربعہ و دیباحت آتشکدہ)

حجۃ الافاضل علی بن محمد - بعنوان عمرانی علی بن محمد مذکور خواہد شد

محمد - ابو جعفر، (یا ابو عبد اللہ) محمد بن ابی محمد بن طہر،

حجۃ الدین

صقلی مکی، موصوف حجۃ الدین و معروف با بن طہر، نحوی

لعوی، از فصلائی ادبا میباشد کہ در شہر صقلیہ متولد شد، در مگہ شو و نما کردہ و
 مسافرتہا نمود و تألیفات او بدین شرح است

۱- الاسباط المعنوی ۲- الاشتراک اللعوی ۳- انباء بحباء الانباء ۴- حاشیہ
 درہ العواص حریری ۵- حبر البشر بحر النسر ۶- سلوان المطاع فی عدوان الاتباع ۷- شرح
 صغر معامات حریری ۸- شرح کبیر مقامات حریری ۹- الیسوع در تفسیر قرآن محمد
 و در سال ۵۶۵ھ (۱۱۷۵) در سبت و ہش سالگی در شہر حماہ در گذشت
 (ص ۱ ح ۱ کا و ۴۸ ح ۱۹ حم و ۱۴۹ مط)

جداد احمد بن محمد - مکتبی با ابو العباس بعنوان جمال الدین نگارش دادیم

- حداد علی بن محمد بن جعفر - مصطلح علمای رجال و رجوع بدان علم شود.
- حداد عمر بن سلمه، بعنوان ابو جعفر در باب کسی خواهد آمد
- حدادی عبدالله بن علوی بن محمد - (یا احمد) حسینی شافعی یمینی تریمی،
از اکابر وقت خود میباشد که حدادی معروف، گاهی به ناعلوی
موصوف، نایبکه از کودکی نابینا و مکهور بوده حافظه عجیب و حیرت انگیزی داشته
است و تألیفات بسیاری دارد
- ۱- اتحاد السائل با حویة المسائل ۲- الدر المنظوم لدوی العمول والمفهوم
۳- الدعوة العامة والتذكيرة العامة ۴- مذاكرات الاحوان ۵- المعاونة والمطاهرة
(الموارد - ج ۱) للراغبين في طريق الاخرة ۶- الصالح الدیسة والوصایا الایمانیة
که همه اینها غیر از کتاب اولی در قاهره چاپ شده است و شب سه شنبه هفتم ربی المعده
سال ۱۱۳۲ هـ قمری (عقب) در هشتاد و هشت سالگی درگذشت
(ص ۱۸۹ مط و ۹۱ ح ۳ سلك الدر)
- حدقی گاهی عمرو بن بحر را گویند که بعنوان حاخط نگارش دادیم

حداء

- حداء حسن بن علی - بعنوان ابن ابی عقیل در باب کسی خواهد آمد
- حداء زیاد بن عیسی - بعنوان ابو عیسیه در باب کسی خواهد آمد
- حر عاملی احمد بن حسن بن علی - عاملی مشعری، از اکابر علمای امامیه
عهد صغویه میباشد که او بیرمانند برادرش محمد بن حسن مذکور
در دیل، به حر موصوف و فاضل صالح و عارف تنواریح و سیر بود، بعد از وفات برادر
مذکورش، شیخ الاسلام مشهد مقدس رضوی گردید، در سال ۱۱۱۵ هـ (عقیه) نامر شاه سلطان
حسین صغوی ناسیپهان رفته و تا سال ۱۱۲۰ هـ در قید حیات بود و از تألیفات او است

۱- حداء - نا فتح و تشدید، عربی کفش گر را گویند و معنی از موصوفن بهمین وصف
را که مصطلح اهل علم و علمای رجال است بدکر میدهد

۱- تاریخ صغیر ۲- تاریخ نبیر ۳- تفسیر المرآة ۴- حواہر الکلام فی الحصول
المجموۃ من الانام ۵- حاشیة مختصر نافع (ملل و سن ۲۵۹ ح ۴ دریمه)

محمد بن حسن بن علی بن حسین ، (یا محمد بن حسین) عاملی
حرف عاملی
مشعری ، عالمی است فاضل جامع کامل فقیه حلیل محدث سبیل ،
ار اکابر علمای دینیہ کہ شیخ المحدثین بودہ و شیخ حرّ عاملی معروف میباشد شب جمعہ
ہشتم رجب ہزار و سی و سہ از ہجرت (علاج) درقریۃ مشعرہ نامی از دیہات حبل عامل
متولد شد ، دربرد والد و عمّ خود شیخ محمد وحدّ مادری خود شیخ عبدالسلام بن محمد

وانا اتسأل من ذکرہ العجم الدعالمی مظان الاجابا
ومواقف الاصابا کثر لہ تعار مثالی و ادام فضلی
وکالہ وزاد عنہ واقبالہ واصلح شأنہ وصادق عکائہ
وزانہ ما زانہ و نقلہ بالکفا قاق الاصلح المیزانہ
ولکنک بیک العبد محمد کن علی محمد
الحل العالی ع اول حاکمی الثانی ۱۰۸۹
والحرمۃ النبویۃ علی شرفہا والصلوۃ علیہم
فی المشد العبد الرضوی علی شرفہ
الصلوۃ والسلام علیہ
محمد بن محمد
علی محمد
ولم

سموہ خط نسخ حر عاملی منوی سال ۱۱۰۴ھ ق و آن ، صفحہ آخر ار
احارہ ایست کہ تعلم خودش برای علامہ محمدباقر مجلسی صاحب سجاد الاوار
در حلد دوم احارات بخار کہ سجعہ اصل اسم مرقوم داستہ و در کتابخانہ
سخنی حباب آفای صحرالدين نصیری موخود اسب

و دایمی پدرش شیخ علی بن محمود و دیگر اکابر عصر تلقید نمود، درقرنۀ جمع بیر برد
عمّ خود و شیخ حسین طهیر و شیخ رین الدین بن محمد بن حسن بن رین الدین شهید
ثانی درس خواند، چهل سال در بلاد خود توقف داشته و در آن مدت دو مرتبه سفر حج
نمود، اخیراً ریارت ائمه عراق و حضرت رضا علیهم السلام مشرف و در ارض اقدس
رصوی مقیم شده منصب شیح الاسلامی و قاصی القصاتی رسید، دو مرتبه بیر در آنجا سفر
حج نمود، در آن ایام ناصهان رفته و مورد احترامات بی نهایت ملا محمد باقر مجلسی
و شاه سلیمان صفوی شد آن شاه علم پرست و عالم دوست بحسب تکلیف مجلسی با احترام
تمام بنیدارش رفته و شیخ حرّ بیر باردیدش نمود شیخ حرّ ار سید میررای حرّ اثری
و شیخ علی سبط و مجلسی ملا محمد باقر روایت کرده و مجلسی بیر از وی روایت نموده
و از مشایخ احاره و روایت همدیگر هستند

صاحب ترجمه تألیفات دینی بسیاری دارد که بعضی از آنها را ثبت اورا میماید

- ۱- اثبات الهدات بالنصوص والمعجزات ۲- الاشی عشریة فی ردّ الصوفیة ۳- الاحزاب
- ۴- احوال الصحابة ۵- الاربعون حدیثا ۶- ارجوزة فی الارث ۷- ارجوزة فی الركوة
- ۸- ارجوزة فی الهندسة ۹- امل الامل فی علماء حمل عامل که سال ۱۳۰۲ هـ ق در بهران چاپ
- سگی سده ۱۰- الایماط من الصلحة فالرهان علی الرحمة ۱۱- نهایة الهدایة فی الواحات
والمحرمات المنصوصة که بلخیص هدایة الامتاء و اس و این کتاب هدایة بیرمنتخب کتاب وسائل الیه
وی میباید ۱۲- تحریر وسائل الشیعة و تحبیر مسائل الشریعة که شرح مکمل بر کتاب وسائل الیه
خود او اس ۱۳- تذکرة المتحریرین فی علماء المتأخرین که حلد ثانی کتاب امل الامل و شرح
حال علمای غیر حمل عامل که نا شیخ طوسی معاصر و یا بعد از زمان او بوده اند میباید و
در سال ۱۳۰۲ هـ قمری در تهران چاپ سگی و هردو حلد در آحر منتهی المقال ابوعلی مسراست
- ۱۴- التنبیه فی التریه یعنی سربیه معصوم ارسهو و سنان ۱۵- تواتر القرآن ۱۶- الجواهر
السیة فی الاحادیث القدسیة که چاپ سده است ۱۷- دیوان الشعر که بر دیک سبهرار ساس
- ۱۸- صحیفة ثابیه سعادیه ۱۹- الفصول المهمة فی اصول الائمة ۲۰- العوائد الطوسیة
- ۲۱- کشف التعمیة فی حکم التسمیة ۲۲- وسائل الشیعة که در هیجده سال تألیف و دو مرتبه در
ایران چاپ و اشهر و اضع نامی تألیفات او میباید که در تمامی اقطار عالم مشهور و مرجع
استفادۀ علما و فعها و حاوی جمیع احبار کساربعه و سیاری از دیگر کتب احادیث شیعه

بوده و سطر حقیقت با این تألیف میباید عموم اهل علم را رهین منت خود گردانیده است پوشیده نماید که شیخ حرّ دارای قریحه شعری سرشار هم بوده و سیدعلی حان مدنی شیرازی از معاصرین او ، در کتاب سلافة العصر خود این اشعار را بدو نسبت داده

فصل الفتی بالفصل والاحسان	والخود حیر الوصف ثلاثا
اولیس ابراهیم لما اصحت	امواله وقصا علی الصیمان
حتی اذا افسی الاهی احذانه	فسحی به للندیح والتقریان
ثم اتعنی المبرود احراقا له	فسحی تمهجتنه علی التیران
بالمال حاد و ناسه و نسه	و نعلنه لتواحد الدیان
اصحی حلیل الله حل حلاله	ناهیک فصلا حلة الرحمن
صح الحديث به هیالك رتسه	تعلو باحصها علی التیحان

گوید که این حدیث را ابوالحسن مسعودی در کتاب احبار الزمان روایت کرده است که خدایتعالی بر حضرت حلیل وحی کرد که چون مالت را بر مهمان، پسرت را برای قربان راه جانان، مدت را بر آتش سوران و فلت را بخداوند رحمن تسلیم کردی ایماک خلعت خلّت را بر قامت راست کردیم و با مقام حلیل اللہیت مفتخر داشتیم وفات شیخ حرّ، در بیست و یکم رمضان سال ۱۱۰۴ هـ قمری (عقد) در مشهد مقدس رسوی واقع و در صحن شریف آن حضرت بر دیکی مدرسه میرزا جعفر مدفون گردید قدس سرّه
(ص ۶۴۴ ت ۳۶۷ هـ و ۱۲۹ ح ۱ و ۳۹۳ ح ۳ دربعه)

حرامی گاهی قاسم بن علی را گویند که بعنوان حریری نگارش خواهد یافت

حران^۱

ابراهیم بن سان بن ثابت بن قرة بن مروان بن ثابت - حرابی الاصل ،

حرابی

بعدادی المولد ، صائغ المذهب ، مکنی نابوا سحوق ، ارفصالی

۱- حران - ناحیه و تشدید ، سوخته مرآصد ، دیهی است در حلب و یکی دیگر در عوطه دمشق و دو دیگری در بحرین که نقید کبری و صغری از همدیگر امتیاز یابند ، بزرگترین کلمات مرآصد و قاموس الاعلام آنکه حران شهری هم بوده قدیمتر که کرسی بلاد مصر بود ، در ساحل بفر حلب نامی در دومیلی رقه و فاصله سی و پنج کیلومتر از شهر ادره از بلاد حریره اولین شهری است که بعد از موافان بنا شد بعدها حران گردید و شکل دیهی افتاد بحسین حضرت *

اطشای نامی و دقیق‌ال نظر میباشد که در تمامی صناعات علمی و عملی طت ، حیر بلکه در هر سه قسمت الهی و ریاضی و طبیعی از فنون حکمت پیر بصیر ، در حسن خط و کتات و حدود تصیف ، بی نظر و بالخصوص در هندسه مسلم برنا و پیر بود در سال ۳۳۳ هـ ق (شلیح) که نوبت خلافت به مستکمی بالله بیست و دویمین حلیفه عیسی رسید از طرف حلیفه برای امتحان مراتب علمی و عملی اطشای وقت نامرد گردید ، او هم در مقام امتحان یکی از ایشان را سراوار این عمل شریف ندید ، لکن محض افشا نکردن اسرار و هتاک نکردن استار مردمان که خارج از وطیعه اهل علم و حکما است در دربار خلافت ناسی عذر متمسک گردید که طیب حادق در صورت خطا در معالجات خود صامس وء عهدمدار است با چه رسد بعیر حادق و شکی بیست که تصدیق طیب پیر در مورد خطا مورد سماسات میباشد پس عذر وی پذیرفته گردید و معلوم شد که اکثر آن جماعت از هر دو قسمت علمی و عملی طب بی بهره بوده و بحر تحصیل ثروت و جمع مال هدفی ندارند ایست عمل امتحان ایشان بعهده ابوسعید یمامی موکول گردید این دانشمند نگانه روزگار خود را بتدریس و تألیف می گذرانید با دریمه محرم ۳۳۵ (شله) یا ۳۳۶ (شلو) یا ۳۳۸ (شلیح) هـ و بدرود جهان گفته وار تألیفات او است

- ۱- تعریف طب و فوائد آن ۲- چهل و یک مسئله هندسه از مشکلات آن فن
- ۳- حفظ الصحة در اوقات مرض عمومی ۴- ردة الحکم ۵- المعالجات و الرسائل ۶- بحنة الحکمة ۷- هندسه سیرده معاله و غیر اینها

(ص ۴۲ حج ۶۸۸ و ح ۲ مه و عبره)

بحضرت ابراهیم ع از ارض بابل بدانجا بود که از آنجا به کعبان روم و در بوارنج روم به قارانه معروف و مرکز صائنی مذهبها بود ، معاند مساری در آنجا داسه و علما و حکمای مساری از آن شهر دارند این شهر در زمان عمر مفتوح اسلامیان گردید و در اوائل دوره اسلام علمای مساری از آنجا ظهور نام و ترجمه اکثر کتب طب و حکمت اروپایی عربی بر آردا سمندان آنجا میباشد ماهم بعضی از ایشان را که به سب این شهر (حرابی) مشهور و در کتب علمیه مذکور و درالسنه داسر است تحت اوراق نموده و تذکر میدهم یوسنده نماید گاهی در عدم سنت بدانجا بونی پیر در خلاص قیاس و قاعده افروده و حرابایی گویند - مانجه در مقام سب به مانی که مقتضای قاعده مانوی گمن است مانی اطلاق میکنند و بعضی از مسوسن این شهر بهمین سنت عبر قیاسی معروف میباشد و در دلیل بهمین عنوان اشاره خواهد شد

(ص ۱۳۱ صد و ۱۹۳۶ ح ۳ ص)

- حرائی ابراهیم بن هلال بن ابراهیم - بعنوان صابی حواهد آمد
- حرائی احمد بن عبدالخلیم - در باب کسی بعنوان ابن یمنیه حواهد آمد
- حرائی ثابت بن قره بن مروان بن ثابت - مکتبی ماوالحسن ، اراکابر
اهل بحوم و هندسه و فلسفه میباشد که گاهی بحاسب و رمانی محکیم
- حرائی موصوف بود و تألیفاتی دارد
- ۱- اطال حرکة فلك المروح ۲- استخراج مسائل الهندسة ۳- الاعداد ۴- حساب
الاهلة ۵- الرسائل و در سال ۲۸۸ هـ قمری (روح) درگذشت
(س ۳۸۰ ت و ۱۴۹ تذکرة النوادر)
- حرائی سان پسر ثابت - بن قره مذکور فوق، مکتبی نابوسعید، اردانایان
علم هیئت و اطبای ماهر و طبیب مخصوص مقتدر عباسی و محل
اعتماد وی بود ، برد امر او و وررای وقت قریب سرا داشت ، رئیس اطبای رمان خود
محسوب میشد از طرف دربار خلافت نامتجان و آرمایش ایشان که (عیرار اطبای دربار
و عیرار اطبای مستعی از امتجان) معادل هشتصد و شصت و اند تن بوده اند نامرد گردید
و ارترس قاهر عباسی دین مقدس اسلامی را قبول کرد و از تألیفات او است
- ۱- اصلاح کتاب اقلیدس در اصول هندسه ۲- تاریخ ملوک سریانی ۳- رسالة
فی الاستواء ۴- رسالة فی شرح مذهب الصائیین ۵- رسالة فی الفرق ما بین الشاعر و المترسل
۶- رسالة فی الحوم صاحب ترجمه اول دی الحجه یا دی المعده سال ۳۳۱ هـ قمری (شلا)
در بغداد درگذشت (س ۲۶۲ ج ۱۱ ح ۱۲ و ج ۱۲ ح ۴۲۱ ف)
- حرائی عبدالسلام بن عبدالله - بعنوان شیخ الاسلام حواهد آمد
- حرائی محمد بن ابی القاسم - بعنوان مسیحی مذکور حواهد شد
- حربی ابراهیم بن اسحق بن ابراهیم بن سر - مکتبی نابواسحق، معروف
به عالم بغداد و محدث بغداد ، اراکابر فمها و محدثین اهل سنت
و جماعت میباشد که در علم و ورع و رهد و تقوی ، با استاد فمهی او ، احمد بن حنبل
قیاسش کند علاوه بر فقد و حدیب در بحو و لغت و فنون ادبیه بیر دستی توانا داشته

وارثواد در عصر خود بود ، ادبیات را از ابوالعباس ثعلب فراگرفته و از تألیفات او است
 ۱- سجودالقرآن ۲- غریبالحدیث ۳- مسند ابی نکر ۴- مسند خالد بن ولید
 ۵- مسند ربیع ۶- مسند سعد بن ابی وقاص ۷- مسند طلحة ۸- مسند عبدالرحمن بن عوف
 ۹- مسند عثمان ۱۰- مسند علی ۱۱- مسند عمر - وفاتش در هفتم دی الحجه سال ۲۸۵ هـ ق
 (رفه) در هشتاد و هفت سالگی واقع شد و دایی‌های وی از نصاری بوده‌اند و شرح حال
 دخترش بیر نعمان امعیسی در باب کی خواهد آمد

حربی مسوب است بحرینه و آن محله ایست در خارج شهر بغداد که آنرا حرب
 بن عبدالله ، از سر لشکران ابو جعفر منصور بنا نهاده و در محادات باب الحرب بغداد، که
 هم از بناهای حرب بن عبدالله است واقع میباشد

(ص ۴۴۷ ج ۱ مه و ۵۶۶ ج ۱ س و ۱۱۲ ج ۱ حم و ۲۶ ج ۲ طبقات)

حربی محمد بن احمد - نعمان ابیوردی نگارش یافته است

حرفوشی^۱

محمد بن علی بن احمد - حرفوشی حویری عاملی کرکی شامی ،

حرفوشی

عالم فاضل ادیب همشی حافظ ، شاعر ماهر ، محقق مدقق ، شیخ

۱- حرفوشی - نمروده فاضل محدث معاصر حاج شیخ عباس قمی طاب رمله و بعضی
 دیگر از اهل، مسوب نال حرفوش است که امرای بعلک بوده و در آن شهر و کرک بوح سکوم
 داشتند ، تماماً شیعه دوازده امامی بودند ، در بعلک و عره تأسس مساجد کرده و علما و اشراف
 را اکرام می نمودند ، اصل ایشان از عراق از قبیله حراعه و نجد عالی سان حرفوش حراعی مسوب
 میباشد ، پس بحسب نعوطة دمشق رفته سپس در بعلک و کرک بوح اقامت گردیدند و معمره ایسان
 بیر در بعلک در ریر قبه ای عالی تا این اوقات ناقی بود . مبدأ امرایسان علی المحقق معلوم شده
 و تواریخ ایشان دستبرد حوادم گردیده است ، امرای آل حرفوش احراً از طرف دولت عثمانی
 مقهور و در حدود سال ۱۲۸۶ هـ قمری بولایت روم ایلی تعیین و در او احر، در اسانسول ساکن
 و داخل خدمت آن دولت بودند ، مرایا و ممیرات قومیت و اخلاق عربت ایسان تکلی اردسب
 رفته و ترک محص شده‌اند بطوریکه دیگر حیری از زبان عربی را نمی دانند و فقط بنامای
 محنصری از ایشان در بلاد بعلک و عره سکوم دارند، علما و سعرا و فصلائی بسیاری از آل حرفوش
 نشأت یافته‌اند که بعضی از ایشان نگارش می‌یابد

قلوب امراسيما و امير صميم بن عمر ضعيف والعودة على الاطراف والاحسان الميجور في الشهرة اللطيف اجبر
لعل اعمالنا بعمولك وغفر لك وسير لنا سبيل الوصول الى ملاعتك ورضوانك واهلنا بالكناه
في هذه الايام ذريعتك الى دخول جناتك وسبيل الى الفوز بالحصول على جناتك احسانك

انك انت الكرم ذوالفضل العظيم وصلي الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

موضوع من شعور هذا الجز مؤلف الفقيه في الله تعالى محمد بن علي بن احمد

بخر صوفي العاملي في محروسة اصغى وصيبت من

تواضع الكونان قلعه الاثمن الرابع

الحشر من شهر العقدة من شهر

سنة اربعه بعد الالفه

على شهر السلام وكان

الشهر في شهر الاواخر

من شهر رجب من هذه

السنه

بمودة خط سجع محمد حرفوشى موفى سال ۱۰۵۹ هجرى قمرى - ۶

- ۱- شرح تهاديب البيان شيخ بهائي در نحو ۲- شرح رندة شيخ بهائي ۳- شرح صمديه
- ۴- شرح قطرفا كهى ۵- شرح قواعد شهيد ۶- طرائف النظام و لطائف الاسهام فى محاسن الاشعار

وعير ايسها و ار اشعار او است

يعولون فى العيون فرطت رعدة

فعلت لهم ماداك الا لكوبه

ايضا

و ليس شيئا تعنيه و تحترار
مصاهى لانسك فى قلبه السار

اليه لالصى نوة و تطربا
دحان فؤاد بالاعرام تلهبا

لعمرك ثم اهو الدحان و ثم امل
و لكسى احصى به عن محالى

درماه ربيع الثانى ۱۰۵۹ هجرى قمرى (عظ) برحمت ايردى نائل شد وشيخ حرر عاملى قصيدة
(ملل و ص ۳۱۵ و ۱۲۴ هـ)

طوبلى درمريه او گفته است

احمد بن محمد بن اسحق بن ابی حمیصه ، معروف به حرمی ، ابن

حرمی

ابن العلاء ، مکشی یا ابو عبدالله ، محدث مورخ سود ، ابوالفرح

اصهبانی از وی سیار نقل کرده و در سال ۳۱۷ هـ قمری (شیر) در گذشته است
(ص ۸ ۲ ح ۴ حم)

حروریه^۱

عنوان مشهوری فصل نامی است از اهالی حراسان که فصل نعمتی

حروری

هم موصوف میباشد در قرن هفتم هجرت ظهور نمود ، بعضی معانی

رهمی از برای حروف اختراع کرد ، کتاب حاوهران نامی تألیف داد که هیچ چیزی از آن
استفاده نتوان کرد ، عاقبت تکمیرش کرده و اعدامش نمودند و سال آن مصوط بیست
(ص ۳۴۱۴ ح ۵ ص)

ابوالقاسم بن علی - موشته شمی ، همان حریری مشهور قاسم

حریری

بن علی میباشد که شرح حالش در زیر مذکور است ، شمی در

نامش اشتباه کرده چنانچه احمد رفعت (که قاسم بن علی حریری را بعنوان ابوالقاسم
حسن بن علی نگاشته) از دو جهت نام و کبیة ، اشتباه کرده است

قاسم بن علی بن محمد بن عثمان ، حرامی القبیله ، حریری الحرفه ،

حریری

مشانی المولد ، نصری الموطن والمسکن ، که از قبیلته می حرام

۱- حروریه - صم سانی و فتح و صم اول ، فرموده مقاس الهدایة ، عنوان کسانی

است که از حضرت علی ع تبری حسنه بلکه نکر آن حضرت سهادت نمودند از مجمع البحرین
نقل است که حروریه عنوان حوارج است که در دین ، سیار عورسی کرده و عاقبت اردین خارج
شدند و مارقین هم عبارت از ایشان است بروحردی گویند حروریه اصل حوارج است که آن حضرت
را در موضوع تحکیم تحطئه کرده بلکه تکمیرش نموده و گفتند که حکم منحصر بحدا است و اسان
دو آورده هر از تن بودند و پس از برگشتن از صفین در دهی حرورا نام بر دیگری کوفه گرد آمده
و گفتند که حکم و داوری منحصر بحدا است و عبدالله کواری نامارت مؤمن بر گردید و پس از
آنکه آن حضرت ایشان را اسبطاق نمود نكوفه آمدند تا آنکه بار دیگر مرتد شده و با عبدالله بن
وهب بیعت کردند و در بهروان اجتماع نموده و کردند آنچه را که بایستی بکنند و همانا حروریه
گفتن اسان بر جهت آن بوده که بحسین احتمام اسان در دین خود را نهاده است

بود، درقریه مشان نامی از قراء بصره سال ۴۴۲ (نمب) یا ۴۴۶ (تمو) متولد شد، در خود شهر بصره تحصیل مراتب علمیه پرداخت و در معجم الادبا بیشتر، از وی ناس الحریری تعبیر میسماید. بهر حال ادیبی است کاتب مشی شاعر ماهر بحوی لغوی، اراکان پریشوایان ادب، در نکات و فطانت بی طیر، حدت دهن و دقت نظر او مسلم برنا و پیر، هر یک از اشعار و تألیفات طریقه او دستور ادبی و قلمی ادبای نامی و شاهد صدق مدعا میباشد.

۱- درة العواص فی اوهام الحواص که بارها چاپ شده است ۴- دیوان رسائل اشائیه

۳- دیوان شعر ۴- شرح ملحة الاعراب مجعی نماید که ملحة الاعراب ببار خود حریری بوده و مبطومه ایست در نحو ناسلوب العیة ابن مالک و مطلع آن این است

اقول من بعد افتتاح العول حمدی الطول شدید الحول

همین شرح تا اصل ملحة، در مصر و پاریس و غیره چاپ شده است ۵- مقامات ۶- ملحة الاعراب که مذکور شد کتاب مقامات او که در السه دایر و به مقامات حریری مشهور است بارها در ایران چاپ شده، امثال و رموز و اسرار کلام عرب را حاوی، کمال فصل و هر مؤلف و احاطه کامل او ست تمامی فنون ادبیات را برهانی قاطع، در تمامی اقطار عالم مشهور و محل بوجه هر دیاری میباشد جمع کثیری بهر سه زبان عربی و پارسی و ترکی شروح و حواشی سیاری بر آن نوشته، تا اکثر السه اروپائی ترجمه شده است و رمحشری در وصف آن گوید

اسم بالله و آیاته و شعر الحیف و میعانه
ان الحریری حری ناس تکت ناکتر مقاماته

فاصل محدث معاصر، بعد از مدح احتمالی کتاب مقامات و اینکه بیوسته اهل فصل بدان کتاب اهتمام و عنایتی داشته و شروحن نگاشته اند گوید حصر بصری حدی بمطالعه و خواندن آن اهتمامی داشتم تا آنکه دریافتم که مطالعه امثال این کتابها دل را سیاه می کند، تا بودن کتاب مستطاب بهج البلاغه که مترع فصاحت و بلاغت است چه حاجت که اسان بمطالعه مقامات بر دارد و از طلای بی عث بسفالی قانع شود، چه همان بستی که مابین حضرت امیر مؤمنان و دیگر مردمان و خود دارد بهمان بست مابین کلام آن حضرت و کلام

سائریں است

علی الدر والذهب المصفا و باقی الناس کلهم تراب

کلام حقیقت انتظام آن فاصل محترم بیابان رسیده وار اشعار حریری است

حدیا بی نما اقول ولا ترع

لا تعترر بسی الرمان ولا تصل

حرتهم فادا المعافر عافر

ما عشت عنه تعش و انت سلیم

عند الشدائد لی اح و ندیم

والال آل والحمیم حمیم

معافر بمعنی ملازم ، عافر حراحت کننده ، آل ، اهل و عیال و رمین شور مدار و حمیم دوست

صدیق و آب گرم را گویند بیر بطریق تعمیه گویند

میم موسی من یون نصر فصر

انهدا الادیب سادا عت

یون ، بمعنی ماهی ، میم ، فعل ماضی مجهول است یعنی موسی از خوردن ماهی نصر

ماهی مثلا برص موم شد که عبارت از برسام و درد سینه و آبله شدید است بیر بطور تعمیه گویند

باء نکر ، نلام نیلی فمان ————— فک منها الا یین وها

باء ، فعل ماضی است بمعنی اقر یعنی اقرار کرد ، لام هم بمعنی درع و رزه است ، ها اسم

فعل است یعنی احد کن حاصل معنی ایسکه بیکر ، سدهکار بودن رزه اقرار کرد ،

دقه اش از آن بدهی خود بری نمیشود مگر با دادن عین رزه و گفتن ایسکه احد کن و

سگیر حق خودت را حریری سال ۵۱۱ (نیا) یا ۵۱۵ (نیه) یا ۵۱۶ هـ قمری (ثبو) در

بصره وفات یافت

(ص ۴۵۸ ح ۱ کا و ۵۲۷ ت و ۲۶۱ ح ۱۶ حم و ۷۴۸ مط و ۱۲۴ هـ و ۴۳۱ هر و ۲۹۹ ح ۴ طنباق و صره)

حر لعش

شعیب عبدالله بن سعد بن عبدالکافی - مصری مگسی عمر اوی ،

یا

حریعیش

مشهور به حیرو حریعش ، عالمی است راهب صوفی و اعطی که ریاده

برسی سال در مکه اقامت کرد ، بعضی وقایع را پیش از وقوع حر میداد ، مردم درباره

وی اعتقادی سر داشتند و کتاب الروص الفائق فی المواعظ الرقائق که در مصر و قاهره چاپ

شده از او است وی سال ۸۰۱ هـ (صا) وفات یافت و طاهر آنکه اسم صاحب بر حمة عبدالله

بوده و شعیب هم لقب دیگر او است و دوریست که لفظ ابن سقط شده و شعیب بن عبدالله باشد

(ص ۲۵۱ مط)

عبدالله بن عبدالظاهر - مصری ، قاصی ، مفسر بد محیی الدین ،

حرامی

ار متاهیر ادبا و شعرای عرب میباشد که در اصول مکاتبه و انشاء

و حید عصر خود بود، سال ۶۹۲ هـ (حصب) در هفتاد و دو سالگی در گذشته و اراشعار او است

الالیت ثلاث مصین رواجع

لنال مواص کم قطعت بهامی

وهل مامصی من سائق الدهر یرجع
ولاشک فی ان المواصی لم یقطع
(ص ۳۱۰۷ ج ۴ ص)

حسن بن محمد بن اسمعیل بن محمد بن اشناس - ترار فقیه محدث

حرن

خلیل ، که کبیه اش ابوعلی میباشد ، گاهی با اشناس الترار و

گاهی با اشناس موصوفش دارند ، مؤلف کتاب عمل دی النصحه است ، در اقبال ، ار همان

کتاب ، که با خط خود مؤلف بوده و مورخ به ۴۳۷ هـ ق (بزر) میباشد روایت می کند ،

صحیفه سجادیه را با سند دیگری روایت کرده که ارحیث عدد و ترتیب و بعضی اربعاتش

معایر همین نسخه مشهوره است (ص ۵۱۰ ص)

شیخ علی - در ریر رجوع به حرن شیخ محمد علی نماید

حرن

شیخ محمد علی بن ابیطالب بن عبدالله بن علی بن عطاءالله - راهدی

حرن

حیلابی لاهیجانی اصفهانی ، معروف شیخ علی حرن ، اراکار

متأخرین علمای شیعه و بروکان شعرای آن طبقه میباشد که سیار راهد و عابد بود، در

شورش های دولت صفویه می رست ، در هزار و صد و چهل و شش هجرت اترس نادر شاه

به دوسان رفت و سال ۱۱۸۱ (عمما) در هفتاد و هفت سالگی در سارس وفات یافت وار

بالیفات صاحب ترجمه است

۱- آداب الدعوة والادکار ۲- آداب العرثة ۳- آداب المعاشره ۴- انطال التماسح

۵- انطال الحبر والتفویص ۶- اسات تحرید النفس ۷- احبار النی الطیب احمد متسی

۸- احبار حواحه بصیر الدین طوسی ۹- احبار صفی الدین حلی ۱۰- احبار هشام بن حکم

۱۱- الادعیه والادویه ۱۲- الارل والاند والسرمد ۱۳- الاسی فی تفسیر آیه ثم دنی فتدلی

فکان فاب هوسین او ادبی ۱۴- اصول الاحلاق ۱۵- اصول علم التعسر ۱۶- اصول المنطق

۱۷- الاعابه فی الامامة ۱۸- انعام المصدقین نالسعادة الاحرویه ۱۹- الامامة ۲۰- الاساب

۲۱- انس الفؤاد فی جمیعة الاجتهاد ۲۲- سارة السوة در اسات سوت حصرت حاتم ص

ارانبیل و تورات و صحیفه یوشع و کتاب شعیا ۲۳- تاریخ احوال حربی که سال ۱۱۵۴ هـ ق (عقد) در شرح حال خود و شرح و وسط وقایع زمان خود بوده و حاکی از اطلاعات علمی او در اکثر فصول متنوعه می باشد و اصل متن فارسی آن با ترجمه انگلیسی در لندن چاپ شده است ۲۴- تحریر المص ۲۵- تحوید القرآن ۲۶- التحلیة والتحليلة ۲۷- تذکرة الشعراء المعاصرين ۲۸- تذکرة العاشقین که چاپ شده است ۲۹- تفسیر اسماء الحسنی ۳۰- حام حرم در بیان کائنات جو و موالید ثلثه و غیر اینها و از اشعار او است

ای وای بر اسیری کر یاد رفته باشد در دام مانده باشد صیاد رفته باشد

(ص ۱۹۳۸ ح ۳ و ۱۰۳ ح ۱ بی و عنوان کتابهای مذکوره از درسه)

شیخ اسمعیل بن ابراهیم - من عطیة بحرانی مؤلف کتاب الاسرار

حسام الدین

الصابیة والخلصة الشافیه فی شرح المقدمة الکافیة الحاحیه در نحو

که شرح مرحی کتاب کافیة ابن حاحب است و در حمادی الاحرای سال ۷۹۵ (دصه) از تألیف

آن فارغ و یک نسخه از آن در کتابخانه حدبوته مصر موجود است (ص ۴۷ ح ۲ دریه)

حسن بن علی بن محمد - شافعی ابیوردی، نریل مگد، از افاضل

حسام الدین

علمای قرن هشتم هجرت و از شاگردان ملا سعد بفتارانی سالف الترحمة

میشد، راهب و متدیس و نیک سیرت و بمعقولات و موافقت آنها با اصول و قوایس مذهب

معوصه و عالی مذهبان عالم و معتقد بود، اخیراً به یمن رفته و در بعضی از مدارس آنجا

تدریس پرداخت، کتاب ربیع الحنان فی المعانی و اللسان را تألیف داد و زمان وفاتش

ندست بیامد (ص ۱۵ ص ۳۱ ب)

حسن بن محمد بن حسن - حلی ارموی، معروف به احنی بزل،

حسام الدین

از اکابر عرفا و صوفیه و از کبار اصحاب ملائی رومی میباشد،

در کتاب مشوی معروف، طرف حظاب او بود، آن کتاب را بر حسب هیل و در خواست او

نظیم نموده و بخودش املا کرده است، سال ۶۸۴ هـ ق (هجد) = ۱۲۸۵ م و ما تک سال

پیش از آن در گذشته و در برد سر خود سحاک رفت

(ص ۹۶ سمیه و ۱۹۳۹ ح ۳ ص ۷۲ ح ۳ فع)

حسام الدین

محمد بن محمد - بعنوان ابن ابی المواقب در باب کئی حواهد آمد

بنی نام بن مندر بن حرام بن عمرو بن رید بن مسات بن عدی - حر رحی

حسان

انصاری مدنی ، کسبه اش ابوالولید یا ابوحسام یا ابوعبدالرحمن

بود ، مادرش فریعه نام داشت و بهمین جهت نامش الفریعه بر موصوف میباشد ار اکابر
سخرای اصحاب حضرت رسالت پناهی من شمار میرود که از طرف فرین الشرف آن حضرت
مؤنّد روح القدس بودن او در بعض موارد مصرح است ، منبر مخصوصی در مسجد برای
وی معین بوده و مدائج بسیاری درباره آن حضرت سروده است و بهمین جهت شهرت شاعر السی
و ساعر رسول الله را حیات نمود حماسه دگویان و بدخواهان آن حضرت را بیکه
عمرو بن عاص و عبدالله بن زبیری و ابوسفیان هم از آن جمله بوده اند هجوهای بسیاری
گفته است آن حضرت فرمودند که مؤمن با هر دو حره شمشیر و زبان جهاد می کند پس
بد حسان فرمودند ، از اشعار شما که درباره دشمنان دین میگوید زیادتر از این تیر
و پیر می باشد از مدائجی که درباره آن حضرت گفته است

ودوالعرس محمود و هدا محمد
من الرسل والاولیاء فی الارض بعد
یاوح که اللاح الصغیر الهمد
و علیها الاسلام فان الله بعد
تدائك ما عرت فی الناس اشهد
فاياك ستهدی و اياك بعد

وسق له من اسماء کی یحاله
به ابانا بعد یأس و فتره
فامسی براحا مستدر اوهادیا
واندر برانا و بشر حله
و انت الا له الحق ربی و حاله
لك الحق والعماء والامر كله

در دره با حرت حوس مشرف ایما آوردن با حضرت گوید

فلما اتی الاسلام کان لنا الفصل
الها فانام محنت مالها شکل
واکرما ناسم مصی ماله منل

وکما ملوک الناس قبل محمد
واکرما الله الذی لیس عره
نصر الاله والنسی و دیه

انصاً

وبنا انام دعائم الاسلام
واعرنا بالصرف والافدام
فیدالجماحم عن فراح الهام
نرائض الاسلام والاحکام

الله اکرما نصر بده
وبنا امر بده و کتابه
فی کل معزک تطور سیوفنا
و نورنا حیر دل فی اناسنا

اراسیل و تورات و صحیفه یوشع و کتاب شعیا ۲۳- تاریخ احوال حربی که سال ۱۱۵۴ هـ ق (عمد) در شرح حال خود و شرح و وسط وقایع زمان خود بوده و حاکی از اطلاعات علمی او در اکثر فنون متنوعه می باشد و اصل متن فارسی آن با ترجمه انگلیسی در لندن چاپ شده است
 ۲۴- تحریر الدنسی ۲۵- تحوید القرآن ۲۶- التحلیة والتحلیة ۲۷- تذکرة الشعراء المعاصرين ۲۸- تذکرة العاشقین که حاوی سده است ۲۹- تفسیر اسماء الحسنی ۳۰- حام حرم در بیان کائنات جو و موالید نثه و غیر اینها و از اشعار او است

ای وای بر اسیری که یاد رفته باشد در دام مانده باشد بسیار رویه باشد

(ص ۱۹۳۸ ح ۳ س ۳ و ۱ ح ۱ بی و عنوان کتابهای مذکوره از درسه)

شیخ اسمعیل بن ابراهیم - بن عطیة بحرانی مؤلف کتاب - الاسرار

حسام الدین

الصافیة والحصاة الشافیة فی شرح التمهدة الکافیة الحاحمة

که شرح مرچی کتاب کافیة ابن حاح است و در حمادی الاخرای سال ۷۹۵ (هـ) از ابن حاح آن فارغ و یک نسخه از آن در کتابخانه حدیوئیة مصر موجود است (ص ۴۷ ح ۲ درسه)

حسن بن علی بن محمد - شافعی ابیوردی، ردیه آیه، ایه سال

حسام الدین

علمای قرن هشتم هجرت و از شاگردان علامه تارانی است

میباشد، راهد و متدیس و بیکسیرت و بمعقولات و موافقت آنها با اصول و قواعد

مفوضه و عالی مدهیان عالم و معقد بود، اخیراً به من رسیده و در بعضی از مدارج آن

تدریس برداحت، کتاب ربیع الحیان فی المعانی و اللسان را تألیف داد و در آن رس

بندست بیامد (ص ۱۵ س ۳۱ ب)

حسن بن محمد بن حسن - حابی ارموی، معروف به اسی بر

حسام الدین

از اکار عرفا و صوفیه و از کبار اصحاب ملائی رومی است

در کتاب متوی معروف، طرف خطاب او بود، آن کتاب را بر حسب میل و درخواست از

سظیم نموده و بخودش املا کرده است، سال ۶۸۴ هـ ق (عمد) = ۱۲۸۵ م و در آن سال

بیش از آن در گذشته و در برد بیر خود بحاکم روت

(ص ۹۶ س ۹ و ۱۹۳۹ ح ۳ س ۷ و ۱ ح ۳ و ۳)

حسام الدین

محمد بن محمد - بعنوان ابن ابی المصعب در باب کسی خواهد آمد

حسان

بنی نابت بن مندری حرام بن عمرو بن رید بن منات بن عدی - حر رحی

اصاری مدنی ، کیهاش ابوالولید یا ابو حسام یا ابو عبدالرحمن

بود ، مادرش فریعه نام داشت و بهمین جهت نام فریعه بپیر موصوف مییاشد ، از اکابر
 سمرای اصحاب حضرت رسالت پناهی ص شمار میرود که از طرف فریب السرف آن حضرت
 مؤید روح القدس بودن او در بعض موارد مصرح است ، مسر مخصوصی در مسجد برای
 ی معین بوده و مدائح بسیاری درباره آن حضرت سروده است و بهمین جهت شهرت شاعر السی
 ساعر رسول الله را حیات نمود حسانچه در کویان و بدخواهان آن حضرت را بیکه
 عمرو بن عاص و عبدالله بن زبیری و ابوسفیان هم از آن جمله بوده اند همچوهای بسیاری
 دشمنان آن حضرت فرمودند که مؤمن با هر دو حربه شمشیر و زبان جهاد می کند پس
 بد حسان فرمودند ، اتر اشعار شما که درباره دشمنان دین میگوید زیادتر از اثر تیر
 بیره مییاسد از مدائحی که درباره آن حضرت گفته است

قد و العرش محمود و هذا محمد
 من الرسل والاوتان فی الارض بعد
 یا روح کمال الصل الیه
 و علما الاسلام فانه یهد
 بدائك ماعزت فی الناس اشهد
 فایاک ستهدی و ایاک بعد

وتی له من اسماء کی یحلله
 س اتانا بعد یأس و فترة
 فامسی راحا مستیر او دادیا
 واندر سرانما و نشر حله
 وات الا له الحق ربی و حاله
 لك الخلق والنعماء والامر كله

در دره ما حرب حوس سرف ایمان آوردن تا بحسرت گوین

فدا ابی الاسلام کان لنا الفصل
 الیها نایام محبت مالها شکل
 واکرمنا ناسم مصی ماله مثل

وکان ملوک الناس قبل محمد
 واکرمنا الله الدی نلس عره
 نصر الاله والسبی و دیه

انصاً

و بنا انام دعائم الاسلام
 و اعربنا بالصر و الافدام
 فیدانحماحم عن فراح الهام
 نعرائن الاسلام والاحکام

الله اکرمنا نصر نسبه
 و بنا اعرب و کتابه
 فی کل معترک لظفر سرفها
 و نورنا حریر فی اربابنا

بحر الحیار من التریة کلها

و نظامها و رمای کل رمام

سر در قصیه غدیر خم در همان روز گوید

یسادیهم یوم العذیر بیهم	بم و اکرم نالی سادیا
یقول فمن مولیکم و ولیکم	فماثوا و لم یبدوا هناك العالی
الهک مولانا و انت و لیا	ولی تعدن مائلک الیوم عاصیا
فقال له قم یا علی فانی	وصیتک من بعدی اماماً و هادیا
هناک دعا اللهم وال ولیه	وکن للدی عادی علنا معادیا

پس آن حضرت فرمودند با حسان ، تو مؤید روح القدس هستی مادامیکه ما را با زبان خود نصرت و ناری کنی

بگذارنده گوید دور نیست که مشروط و محدود کردن دعا ، با نصرت حادثه رسالت اشاره بعاقبت امر حسان باشد که بعد از وفات آن حضرت از طرف مخالفین ، نارحاری دیوی استمالت شد ، خلافت نصرت را معمول داشت موافق آنچه از معین و علی و از حضرت علی علیه السلام منحرف گردید و مردم را بدان حضرت سوراخند ، نصرت معاویه دعوت کرد و اشعاری هم در این موضوع گفته است در بحرالمنال ذود

حسان الشاعر عن لی ابحرف و حرص الناس علیه واعرف

کلمه لی در کتب حالیه اشاره بحضرت علی علیه السلام ، تخریص ، بمعنی رسب و سوراخیدن ، اغتراف ، برداشتن آن ناکف دست میباشد و در اینجا کبابه از احد اهل و اردناب سدید معصیت و امر باطل است بعضی گفته اند که حسان بدان حضرت سعت کرده ولی در حمل مخالفت ورزید و مردم را از عر نعمت خودشان منصرف میگرداند و توان اشعار حسان در مصر و سنی و قاهره و لاهور و لیدن و یوس بارها چاپ شده ، فاش در زمان خلافت حضرت امیر المؤمنین ع و یا در سال پنجاهم یا پنجاه و چهارم هجرت در صد و نسی سالی واقع گردید ، وی از محصرین بوده که هر دو دوره جاهلیت و اسلام را درک کرده است از نوادر ، آنکه هر يك از پدر و حد و حد پدرش بی نكصد و نسی سال عمر درده اند پوشیده نماید که ترجمه حال حسان در این کتاب ، محص بحبت بوهتم لقب بودن این کتاب است و الا خارج از موضوع کتاب میباشد و علاوه محص اینکه مقصود از حسان بی در

حسان العجم و حسان الهند که دیلا تذکر خواهیم داد کاملاً روشن گردد قبلاً من باب مقدمه
بشرح حال اصل حسان پرداخته شد

(ص ۱۰۸ ح ۳ مع و ۱۹۴۰ ح ۳ س ۵۸۵ ح ۲ ف و ۶۴۱ جلد هجرت باسح)

حسان ثانی همام بن غالب - بعنوان فرزدق خواهد آمد

حسان العجم ابراهیم بن علی - شیروانی بعنوان حاقانی خواهد آمد

حسان الهند امیر علامعلی - بعنوان آراد نگارش دادیم

حسکا حسنی بن حسین بن حسن - در ضمن برحمته مستحب الدین علی بن

حسکا ابی القاسم خواهد آمد

حسبه از کبیرکان اسرا میباشد ، در زمان هرون الرشید اسلام را قبول

کرد ، ربی بود عالمه و فاصله و مدققه ، در احبار و آثاردینیّه

نصیری سرا داشت ، رساله فارسی شیخ ابوالفتوح راری در مناظره ای که حسیه در مجلس

هرون در مسئله امامت کرده مشهور و در ایران چاپ شده است و عایت فصل و حالات حسیه

را برهانی قاطع میباشد طنّ می رود که آن رساله را خود ابوالفتوح ندوین کرده و لکن

محص ایسکه مذهب عامّه را موافق عقائد خودشان مقتضی نماید آن را به حسیه مسوب

داشته است ، مثل سید ابن طاوس صاحب اقبال ، که در کتاب طرائف خود همین شیوه را

معمول داشته است ، در آنجا گوید که من يك بن از اهل دمه هستم سپس نامدهاب اربعه

اهل سنت داخل مباحثه شده تا آنکه با ایشان اتمام حجت میکند ، مذهب شیعه را

بات و مرهن میسارد پس تصریح بیدیرفتن اسلام مینماید در ریاض العلماء بعد از این

حمله گوید ابن مطلب بحمعی از اهل علم محمی بوده و گمان کرده اند که کتاب طرائف مذکور

از عبدالحمود نامی است دمی که ابن طاووس آن را از راه توریه نام وی مصدر کرده است

(حاتمه قسم اول ریاض العلماء)

حسین بن علی بن محمد بن نجیبی بن عبدالرحمن - پیشاسوری ،

حسینک

کمیداس ابواحمد ، شهرتس حسینک ، از اکابر محدثین عامّه

میباشد که موثق و اثبات ایشان بود، در سفر و حضر و گرما و سرما نماز شب از وی فوت
 نمیشد، هر شب بقرائت هفت سوره از قرآن مجید مواظبت داشت، صدقات بسیاری میداد
 و صبح یکشنبه بست و سوم ربیع الثانی سال ۳۷۵ هـ ق (شعه) درگذشت کاف حسیب
 در زبان فارسی برای تصعیر است، مثل کاف دحترک و امثال آن
 (ص ۲۴ ح ۸ تاریخ بغداد)

میرحسین بن میرعالم بن حسن معروف به حسینی سادات،

حسینی سادات

از سادات حلیل القدر و ملکرادگان مشرح الصدر و شاعر

شعرای ایرانی است که اصلش عوری بود، درهرات بزرگ شد، امارت و حکومت را
 ترک کرد و روی ریاضت آورد، بمقاماتی سن بلند رسیده و در علوم ظاهری و باطنی دستی
 یوانا داشت سال ۷۱۷ (دیر) یا ۷۱۹ (دیط) یا ۷۲۳ هـ ق (دکح) درهرات وفات یافت
 و در حواری فر شریف عبدالله بن جعفر بن ابیطالب مدفون گردید نالیعابی دارد بدین شرح
 ۱- دیوانی مرتب ۲- روح الارواح ۳- زاد المسافرین ۴- سی نامه ۵- صراط
 المستقیم ۶- طرب المحالین ۷- کبر الرموز ۸- برهة الارواح و دارای نالیعات دیگری
 نیز در احلاق و ادبیات و تصوف میباشد سوالات هده گاهه گاش زار نیز از او است که
 شستری در کتاب گلش زار خود جواب آنها را مطوماً نگاشته و هر یک از آن سوال و
 جواب عاو مقامات عرفانی سوال کننده و جواب دهنده را برهانی قاطع میباشد و اراسعار
 حسینی سادات است

آبها که حریم بی بیاری است	اندیشه ما خیال ناری است
در آینه دیده ای هوا را	گویی که ساختم خدا را
ز بهار به حجت فیاسی	عزّه شوی به حق ساسی
بحقیق تو حیست بی تو بودن	زین بیس نمی سوان سرودن
عمری سر و پا بر همه رفی	اما قدمی نره برفی
حدین تک و بوی بود و گام است	بردار قدم که ره تمام است

(ص ۱۹۶ ح ۳ ص ۱۱۲ سعیه)

حاج محمد حسین بن حاج محمد حسن مجتهد بن معصوم، قزوینی الأصل،
حسینی شیرازی
 شیرازی المسکن، از شعرای ایرانی قرن سیزدهم هجرت میباشد
 که در اشعار خود به حسینی متخلص میکرد اصل ایشان از قزوین بود، خودش در کربلا
 راییده شد و احراً شیراز آمد و رحل اقامت افکند و در سال ۱۲۴۹ هـ ق (عمر مط) وفات
 یافت پنج مثنوی پارسی عرفانی سامهای **اشتر نامه، الهی نامه، مهر و ماه، و امق و عدرا،**
 وصف الحال آرا نار او بوده و مجموع آنها با **حمسه حسینی** معروف میباشد، اولی و سومی
 و چهارمی از آن جمله در شیراز بطبع رسیده ولی دو دیگری هنوز چاپ شده است، دو
 نسخه خطی از استر نامد و وامق و عدرا شماره ۱۳۶ و ۳۸۵ در کتابخانه سپهسالار برگ
 بهر آن موجود میباشد مجمعی نماند که صاحب ترجمه با بهره هائی که از معلومات معنوی
 و منقوی داشته سیر و سلوک راع سد و رحب ارشاد حاج میرزا ابوالقاسم متخلص
 سکوت، قدم در طرقت گذاشت، پس از وفات پدر که در شیراز عالم و مقتدا بوده و به بحث
 و تحقیق اشتغال داشت رئیس اهل شریعت و اهل طریقت گشته و در ریاستین حقیقی گردید
 (ص ۲۸۴ ج ۲ دریمه و ۹ ج ۵ ۲ فهرست سپهسالار)

حسینی قزوینی حاج محمد حسین - در فوق، بعنوان حسینی شیرازی مذکور شد

حسینی هروی میر حسین - بعنوان حسینی سادات، مذکور شد

ملا محمد اهدی - تبریزی انصاری، از شعرای اوائل قرن یازدهم

حشری

هجرت میباشد که با شعرا محشور، از صحبت ایشان مسرور،

اصلش سربری بود اوائل عمر خود را در عباس آباد اسپهان گذرانید، مبلغ کمی اردولت
 راسه داسته و دیری نگذشت که موقوفس داشتند، پس این قطعه را بمیرزا حبیب الله صدر

فرستاد، همان راسه را که گویا سی تومان بوده باز تقرار سابق دادند

از قطع و طبعه گر کم سکه خطا است
 آن کس که دهد و طبعه خلق خدا است

حسان شد گرو روری و رارق صامن
 دارم گرو و صامن من یا برحا است

این شاعر، عرووات شاه عباس کبیر (متوفی سال ۱۰۳۷ یا ۱۰۳۸ هـ قمری علیر یا علیح) را بطم

کرده است در سال ۱۰۱۱ هـ (عیان) کتاب تذکره‌ای بنام روضة الاسرار که بطرز مشهور و مقابل محرن الاسرار نظامی و بهمان بحر است نظم کشید و تذکره دیگری نیز موسوم به روضة الاطهار تألیف داد که هر دو در بیان تاریخ حیات و مقابر عرفا و اولیا و متابعین است که در تفسیر مدفون هستند و خودش در این معنی گوید

حشری منما ندی ، گر اهل حردی و در دهر مدار چشم بیکو ، خو ند
 يك چند ندر حیر بیکان میکوش شاید رسدت ر روح ایشان مدد
 همین کتاب روضة الاطهار او است که در السه به تاریخ حشری معروف و در سال ۱۳۰۳
 (عشع) در تفسیر چاپ شده و خودش در تاریخ مذکور تألیفش گوید

عقل در این روضه بهر سو شتافت از پی ساریح همین روضه نافت

روضه بحساب احدى = ۱۰۱۱

در خصوص دو کتاب مذکور که در طرف يك سال (مانند دو حلف صالح هم شکم کامگار
 از وی یادگار مانده گوید

شکر که در يك سه از روزگار مانده دو فرزند ر من یادگار

بیر از مشویات او است

حمله جهان بیست بحر يك سرای هست سراسر همه ملک حدای

در نظر هر که خدا دان بود این سر و آسرها همه یکسان بود

حشری در مصاحبت میرزا حبیب الله صدر مذکور میریسه و سار مدنی با احارۀ وی
 به تفسیر برگشت و سال وفاتش بدست بیامد و در دریعه همان کتاب روضة الاطهار را بنا
 تذکره الاولیا مذکور داشته است (دیباچه کتاب روضة الاطهار و غیره)

همایون مرزا - فاحار ، اسعراى ساهرادگان عهد ناصرالدینشاه

حشم

فاحار و مؤلف تذکره سمنه و گلشن محمود میباید و سال ۱۲۷۲ هـ

قمری (عرب) در بهران نمرص شقاقاوس در گذشته و از او است

خواهی از بی رحمت دامی ، کمی صیدی اسیر يك ره ای صیاد سوی آسیان من بیا

ایضاً

به پیشتر از حواهایی که کردی شکوه می کردم ر قتل من حدیثی گفتی و سستی زبانم را
(ص ۲۲ ج ۱ مع)

حشویه^۱

حصری
ابراهیم بن علی بن تمیم - قیروانی، معروف به حصری، کبیه اش
ابو اسحق، از مشاهیر ادبا و شعرای عرب می باشد که دیوانی داشته
و از تألیفات او است

۱- الحواهر فی الملیح والموادر ۲- رهر الاداب و ثمر الالمان که در مصر چاپ شده است
۳- کتاب النوری ۴- المصون فی سر الهوی المکنون سال ۴۱۳ (بیح) یا ۴۵۳ (تبح) در
شهر منصوره از بلاد قیروان در گذشته و از اشعار او است

انی احبک حساً لیس یلعه
فهم ولا ینتهی وصی الی صفته
اقصى نهایة علمی فیه معرفتی
بالحصر می عن ادراک معرفته

حصری - با صم و سکون، مسوب بعمل حصر و یا خرید و فروش آن می باشد و
قیروان از بلاد آفریقا است

(ص ۱۳ ج ۱ کا ۹۴ ج ۲ حم و ۷۷۷ مط و ۲۶ ص ۴۵ ت)

حصری علی بن عبد العسی - عنوان قیروانی علی خواهد آمد

حسکلی^۲

حسکلی
ابراهیم بن احمد - معروف بن ابن ملاً یا ملاً، از علمای اهل سنت
قرن یازدهم هجرت می باشد در حلب راییده شد، از پدر خود که

۱- حسویه - عنوان اصحاب حس نصری است که ندیبه حسویه (تصح اول و صم ثانی)
نام اردیبهات حورستان مسوب می باشد و یا به حسا بمعنی امعا و روده بست دارند که هر چه در باطنشان
حطور می کرده بی اندیشه می گفته اند یا حسویه گفتن ایسان جهت آن است که حون حس کلمات
ایشان را مسکر دید امر کرد که در وسط حوره اش به بسته و در اطرافش بنشینند و پس از آن
بهم صفت شهرت یافتند که مأ خود از احشا بمعنی اطراف و حواب است
(مستطرفات بروجردی)

۲- حسکلی - برورن حصری، مسوب به حصن کبیا می باشد که قلعه ایست بلند و مستحکم،*

از اکابر علما و شارح معنی الکلب است و دیگر اکابر عصر خود احد مراتب علمیّه نمود
کتاب الدرر والعروق مطبومه ایست در فقه حنفی از آثار او است و در حدود سال ۱۰۳۰ هـ ق
(عل) در حلب در گذشت (ص ۵۶۷ ج ۱ ص)

محمد بن علی بن محمد بن علی بن عبدالرحمن - حصکفی الاصل ،

حصکفی

دمشقی المشأ والمدفن ، علاء الدین اللقب ، عالمی است فقیه حنفی

محدث نحوی کثیر الحفظ فصیح العبارة ، چند سال در دمشق مفتی بوده و تدریس می نمود ،
سال ۱۰۸۸ هـ قمری (عص) در شصت و سه سالگی در دمشق وفات یافته و در مقبره باب الصخر
مدفون گردید و آثار تألیفات او است

۱- افصاة الانوار علی اصول المسار که شرح کتاب مبارک سنی است ۲- الدرر المحصار
فی شرح تنویر الاضار ۳- الدرر المستعی فی شرح الملتهی که شرح کتاب ملقی الایحرا بر اھیم
حلی در فقه حنفی است و هر سه در مصر چاپ شده است (ص ۷۷۸ مط)

یحیی بن سلام - یا سلامه بن حسین بن محمّد ، مکشی ناوالفصل ،

حصکفی

ملقب به معین الدین ، معروف به حطیب حصکفی ، فقیهی است

نحوی فاضل شاعر شیعی امامی ، ادیب نارع ، یکی از پیشوایان فن شعر ، در عداد افاضل
دینا معدود ، نظم و نثر و خط وی در اقطار عالم مشهور بلکه در فقه و ادبیات و اکثر
علوم مذاولہ امام زمان خود بود فزون ادیبه را در عداد از حطیب سریری فرا گرفت ،
پس به میا فاروقین رفته و حطیب و مفتی آن دیار شد ، صاحب دیوان شعر و خط و رسائل
حیثه میباشد در مذهب شیعه اصراری وافی داشته و او را قصیده دالیّه ایست که حصرات

در زمان میافارقین و حریره آن عمر ، مقصای قیاس حصی گفت است حیاده اسطور هم استعمال
نابند لکن قاعده دیگری هم هست که در مقام سست به دو کلمه که یکی را دیگری اضافه داده باشند ،
از مجموع آن دو کلمه يك کلمه سومی ترکیب داده و حرف سست را بهمان کلمه سومی الحاق نمایند
مثل ترکیب حصکف ، رسعی ، عدل ، عدش ، عددر ، ار حص کبفا ، رأس عی ، عدالله ،
عد سس ، عدالدار که در مقام سست حصکفی ، رسعی ، عدلی ، عدسی ، عدری گویند و
همچنین در بظائر آنها و در اسجا بعضی از معروفین بهمین سست حصکفی را تذکر داده و سب
اورای مسماید